

## مکاشفه عیسی مسیح - شماره سیزده

نبرد در آسمان و ایام آخر: پرده برداری از خط زمانی پیشگویانه بر اساس مکاشفه ۱۲ و ۱۳

Jeff Pippenger

2023-11-09

ما مشغول شناسایی جنگ در آسمان بوده‌ایم که در فصل دوازدهم کتاب مکاشفه توصیف شده است. با به‌کارگیری اصل منش مسیح، که آلفا و امگا است، به جنگ آسمانی فصل دوازدهم همچون نمونه‌ای از جنگ در آسمان که در «ایام آخر» رخ می‌دهد نگریم. تعبیر «ایام آخر» در کتاب مقدس و روح نبوت به معنای روزهای پایانی دآوری تحقیقی است.

ما سه قدرت شیطانی فصل‌های دوازده و سیزده را نه به عنوان قدرت‌هایی که تحقق خود را در تاریخ گذشته یافته‌اند، بلکه به عنوان تحقق امروزی همان قدرت‌ها که جهان را به سوی آرماگدون سوق می‌دهند، شناسایی کرده‌ایم. ازدهای فصل دوازده، سازمان ملل متحد است؛ کلیسای کاتولیک که قرار است در زمان قانون یکشنبه در ایالات متحده احیا شود، همان وحش دریا در فصل سیزده است؛ و وحش زمین با دو شاخ، ایالات متحده است.

ما مشخص کرده‌ایم که جنگی که معمولاً در باب دوازدهم به‌عنوان صرفاً بازنمایی شورش لوسیفر در آسمان فهمیده می‌شود، در واقع جنگی را ترسیم می‌کند که قرار است در آسمان‌های زمینی رخ دهد و با قانون قریب‌الوقوع یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود. وقت گذاشته‌ایم تا روشن کنیم که در مکاشفه، باب سیزدهم، آیات ۱۱ تا ۱۷، فرایند آزمونی به تصویر کشیده شده که شامل تشخیص شکل‌گیری تصویر وحش است. تصویر وحش نمایانگر ترکیب کلیسا و دولت است، با این وضعیت که کلیسا بر این رابطه کنترل دارد. هنگامی که کلیسا در کنترل است، از دولت برای تحمیل آموزه‌های خود و آزار و پیگرد کسانی که آنان را بدعت‌گذار می‌نامد استفاده می‌کند. فرایند آزمون جهانی مرتبط با شکل‌گیری تصویر وحش، نخست در ایالات متحده تحقق می‌یابد. ویژگی‌های نبوی هر یک از این دو فرایند آزمون، اساساً چه در ایالات متحده و چه در سراسر جهان یکسان هستند.

ما به دو دوره یکسان هزار و دویست و شصت روزه که یکی پیش از صلیب و دیگری پس از آن بود اشاره کردیم، به منزله شاهدی دوم برای شناسایی دو فرایند پیاپی آزمون تمثال وحش در پایان جهان. شکل‌گیری تمثال وحش در ایالات متحده، در فاصله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، بر شکل‌گیری تمثال وحش در سازمان ملل متحد پس از قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع مقدم است. هزار و دویست و شصت روز خدمت مسیح، از تعمیم او تا صلیب، بر هزار و دویست و شصت روز خدمت شاگردانش که پس از صلیب بود، مقدم بود. این دو خط، که هر یک شامل دو دوره‌اند و در هر دوره آزمون‌های یکسانی را نشان می‌دهند، موضوع تمثال مسیح یا تمثال دجال را بازتاب می‌دهند.

هزار و دویست و شصت روز خدمت مسیح که بر صلیب پایان یافت، از هنگامی آغاز شد که روح‌القدس در تعمیم او نازل شد، هم‌راستا با نزول فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آنجا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل

هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

دوره هزار و دویست و شصت روزه در تاریخ مسیح، که در واقعه صلیب پایان یافت، نمایانگر دوره‌ای از زمان است که در قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه به پایان می‌رسد. صلیب نماد قانون یکشنبه است. هر دو نماد داوری هستند. هر دو از فرارسیدن ویرانی ملی برای ملتی خبر می‌دهند که رویداد داوری در آن رخ می‌دهد. هر دو در سرزمین پرچالال یهودا رخ دادند. در تاریخ مسیح، منظور سرزمین پرچالال واقعی یهودا بود، و در زمان قانون یکشنبه، منظور سرزمین پرچالال روحانی یهودا است؛ یعنی ایالات متحده آمریکا. بر صلیب، مسیح برافراشته شد تا همه انسان‌ها را به سوی خود بکشد.

و من، اگر از زمین برافراشته شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید. این را گفت تا نشان دهد که به چه نوع مرگی خواهد مرد. یوحنا ۱۲:۳۲، ۳۳.

در هنگام قانون یکشنبه، پرچم صد و چهل و چهار هزار برافراشته می‌شود تا همه انسان‌ها را به سوی مسیح بکشاند.

و او برای قوم‌هایی از دور، پرچمی برافراشته خواهد کرد و از انتهای زمین به آنان سوت خواهد زد؛ و اینک، آنان به سرعت، شتابان خواهند آمد. اشعیا ۵:۲۶.

دوره هزار و دویست و شصت‌روزه‌ای در تاریخ مسیح که پس از صلیب است، با برخاستن میکائیل در هنگام سنگسار استفانوس به پایان می‌رسد.

اما او که از روح‌القدس پر بود، به آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و عیسی را که به دست راست خدا ایستاده بود؛ و گفت: اینک آسمان‌ها را گشوده می‌بینم و پسر انسان را که به دست راست خدا ایستاده است. اعمال رسولان ۷:۵۵، ۵۶.

چهل‌و دو ماه نمادین دوره آزمون نهایی تصویر وحش، با برخاستن میکائیل به پایان می‌رسد و پایان مهلت آزمایشی بشر را رقم می‌زند.

و در آن زمان میکائیل، آن سرور بزرگ که برای فرزندان قوم تو ایستاده است، برخواید خاست؛ و روزگار سختی خواهد بود، چنان‌که از روزی که امتی پدید آمد تا آن زمان نظیرش نبوده است؛ و در آن زمان قوم تو رهایی خواهند یافت، هر کس که نامش در کتاب نوشته شده باشد. دانیال ۱:۱۲.

تاریخ کامل هر دو فرایند آزمون تصویر وحش، گواهی‌های نبوی درونی دیگری را نیز در بر دارد. اگر درست فهمیده شود—و می‌پذیریم که افراد کمی این حقیقت را می‌فهمند—نخستین فرایند آزمون تصویر وحش که در ایالات متحده تحقق می‌یابد، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، زمانی که وای سوم وارد تاریخ شد. قانون یکشنبه که در آن نخستین فرایند آزمون تصویر وحش پایان می‌یابد، علامت فرارسیدن وای سوم در داوری علیه ایالات متحده به سبب تصویب قانون یکشنبه است. در آن زمان، فرارسیدن وای سوم خشمگین شدن ملت‌ها را محقق می‌کند، در تحقق مکاشفه باب یازدهم، آیه هجده، و نخستین اشاره به نقش اسلام در خشمگین کردن ملت‌ها در نبوت کتاب مقدس.

و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در حضور همه برادرانش ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۶:۱۲.

قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد، پایان نخستین دوره آزمایش است و نیز آغاز آخرین دوره آزمایش. آخرین دوره آزمایش زمانی پایان می‌یابد که دوره مهلت بشر بسته شود، و در همان زمان چهار باد، که نماد وای سوم هستند، به طور کامل رها می‌شوند.

هنگامی که نجات‌دهنده در قوم یهود، ملتی گسسته از خدا را دید، همچنین کلیسای مسیحی مدعی را دید که با دنیا و نهاد پاپی متحد است. و همان‌گونه که بر کوه زیتون ایستاده بود و بر اورشلیم می‌گریست تا آفتاب پشت تپه‌های غربی فرو رفت، اکنون نیز در این واپسین لحظات زمان بر گناهکاران می‌گرید و ایشان را با تضرع فرامی‌خواند. به زودی به فرشتگانی که چهار باد را نگاه داشته‌اند خواهد گفت: «بلاها را رها کنید؛ بگذارید تاریکی، ویرانی و مرگ بر متجاوزان شریعت من بیاید.» آیا ناچار خواهد شد به آنان که نور و معرفت بسیار داشته‌اند همان بگوید که به یهودیان گفت: «کاش در این روز تو نیز، حتی تو، چیزهایی را که به سلامتی تو تعلق دارد می‌دانستی! لیکن اکنون از چشمانت پنهان شده است؟» ریویو اند هرالد، ۸ اکتبر ۱۹۰۱.

در تاریخ مسیح، نخستین نقطه عطف دوره نخست هزار و دویست و شصت روزه، تعمیم او بود که نمادی از مرگ و رستاخیزش بود. آن دوره با مرگ و رستاخیز او پایان یافت، که همزمان آغازگر دوره پایانی هزار و دویست و شصت روزه بود. آن دوره با مرگ و رستاخیز وعده داده شده استفانوس پایان یافت.

خط تاریخ نمایانگر تصویر مسیح، ساختار پیش‌گویانه کاملاً یکسانی دارد با خط تاریخ نمایانگر تصویر ضد مسیح.

در کتاب مقدس، مسیح پادشاه حقیقی شمال است و همواره مقصود شیطان این بوده است که اقتدار سلطنتی مسیح را سرنگون سازد و بدلی از آن بسازد.

چگونه از آسمان فرو افتاده‌ای، ای لوسیفر، پسر صبح! چگونه به زمین سرنگون شده‌ای، تو که امت‌ها را ضعیف می‌کردی! زیرا در دل خود گفتی: به آسمان صعود خواهم کرد؛ تخت خود را بالاتر از ستارگان خدا خواهم افراشت؛ بر کوه اجتماع، در جانب‌های شمال، نیز خواهم نشست؛ بر فراز اوج ابرها صعود خواهم کرد؛ همچون خدای متعال خواهم شد. اشعیا ۱۴:۱۲-۱۴.

«کرانه‌های شمال» همان اورشلیم است، شهر پادشاه بزرگ، جایی که مقدسگاه اوست.

سرودی و مزموری برای پسران قورح. خداوند عظیم است و بسیار شایسته ستایش، در شهر خدای ما، بر کوه قدس او. زیبا در رفعت، شادمانی تمامی زمین، کوه صهیون است، در طرف‌های شمال، شهر پادشاه عظیم. مزمور ۴۸: ۲

در کتاب مقدس، «پادشاهان شمال» زمینی همواره به‌عنوان دشمنان قوم خدا معرفی می‌شوند. آنان نمایانگر تلاش شیطان برای ساختن بدل پادشاه حقیقی شمال‌اند؛ همان که بر تخت خود در اورشلیم نشسته است، یعنی «کرانه‌های شمال». خطی که نمایانگر دو فرایند آزمایشی «تصویر وحش» است و به موازات خط دو فرایند آزمایشی «تصویر مسیح» امتداد می‌یابد، شاهد سومی در مضمون تلاش شیطان برای آن که پادشاه شمال باشد که بر قوم خدا حکومت می‌کند، دارد.

در سال ۷۲۳ پیش از میلاد، پادشاه شمال، که نماینده آن آشور بود، در تحقق «هفت بار» لایوان فصل بیست‌وششم، ده پادشاهی شمالی اسرائیل را به اسارت برد. هزار و دویست و شصت سال بعد، در سال ۵۳۸، پادشاه شمال، که در آن مقطع تاریخی روم بت‌پرست واقعی نماینده‌اش بود، تخت را به روم پاپی واگذار کرد و روم پاپی سپس به مدت هزار و دویست و شصت سال دیگر پادشاه معنوی شمال شد. آن دوره دوم هزار و دویست و شصت‌ساله در سال ۱۷۹۸ پایان یافت، هنگامی که پادشاه رومی معنوی شمال ضربه‌ای مهلک دریافت کرد. وقتی دستگاه پاپی در سال ۱۷۹۸ زخم مهلک خود را

دریافت کرد، این امر نمونه‌ای بود از پایان مهلتِ آزمون انسان؛ زمانی که دستگاه پاپی احیاشده سرانجام و برای همیشه، بی‌آن که کسی یاری‌اش کند، به پایان خود می‌رسد.

و خیمه‌های کاخ خود را میان دریاها بر کوه مقدس باشکوه برپا خواهد کرد؛ اما به پایان خود خواهد رسید و هیچ‌کس او را یاری نخواهد کرد. و در آن زمان، میکائیل، آن سرور بزرگ که برای فرزندان قوم تو ایستاده است، برخواید خاست؛ و زمانی از تنگی خواهد بود، چنان‌که از زمان پدید آمدن امتی تا همان زمان هرگز نبوده است؛ و در آن زمان قوم تو رهایی خواهند یافت، هر که نامش در کتاب یافت شود. دانیال 11:45، 12:1.

«هفت زمان» لایوان باب بیست‌وشش، که معادل دو هزار و پانصد و بیست سال است، آشور را در سال ۷۲۳ پیش از میلاد به‌عنوان پادشاه شمال معرفی می‌کند و او به‌عنوان پادشاه شمال، پادشاهی «شمالی» اسرائیل باستان را فتح کرد. از آن زمان به بعد، بت‌پرستی، که از آشور آغاز شد و تا روم بت‌پرست ادامه یافت، قوم خدا، یعنی «لشکر» دانیال ۸:۱۳ را به مدت هزار و دویست و شصت سال پایمال کرد. در سال ۵۳۸، پادشاه رومی شمال ظاهری، از نظر نبوی، توسط پادشاه رومی شمال روحانی مغلوب شد، که اسرائیل روحانی خدا را برای هزار و دویست و شصت سال دیگر پایمال کرد. دوره دوم پایمال شدن با دریافت زخم مهلک توسط پادشاه رومی شمال روحانی در سال ۱۷۹۸ به پایان رسید.

در خط تصویری مسیح، نقطه مرکزی صلیب است، جایی که مرگ مشخص می‌شود. در دو دوره آزمون شکل‌گیری تصویر وحش، نقطه مرکزی مرگ وحش زمین است. در خط پادشاه جعلی شمال، نقطه مرکزی مرگ پادشاه رومی حقیقی شمال است.

این خطوط سه شاهد کتاب مقدسی را نشان می‌دهند که هر یک، در چارچوب یک بازه زمانی، دو دوره زمانی پی‌درپی را در بر دارد. هر نقطه مرکزی با مرگ جسمانی یا مرگ یک پادشاهی در نبوت‌های کتاب مقدس مشخص می‌شود. در مورد مسیح، نقطه مرکزی مرگ و رستاخیز او بود. در مورد تصویر وحش، نقطه مرکزی مرگ وحش زمین است، یعنی ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس در زمان قانون یکشنبه. در خط پادشاه جعلی شمال، نقطه مرکزی نمایانگر مرگ پادشاه رومی واقعی شمال است، یعنی چهارمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس.

دو شاهد مکاشفه یازده، بنا بر گفته خواهر وایت در «نبرد عظیم»، نمایانگر کلام خدا هستند. مسیح کلام خداست. به آن دو شاهد قدرت داده شد تا به مدت هزار و دویست و شصت روز، در حالی که جامه پلاس بر تن داشتند، نبوت کنند. سپس در خیابان کشته شدند و تا سه روز و نیم برنخاستند. «هزار و دویست و شصت روز» و «سه روز و نیم» هر دو نماد دوره بیابان هزار و دویست و شصت ساله هستند. این دوره با اعطای قدرتی آغاز شد که طی آن، آنان در حالی که جامه پلاس بر تن داشتند نبوت کردند و این به مرگ انجامید. سپس به مدت همان دوره نبوی خاموش بودند و جامه مرگ بر تن داشتند، تا آنکه برخیزانده شدند تا هشدار فرشته سوم را که پایان مهلت را اعلام می‌کند، ابلاغ کنند.

این چهار خط نبوتی برابر با چهار شاهداند. ساختار نبوتی هر یک از این چهار شاهد یکسان است. دوره‌های زمانی هر یک از آن هشت بازه‌ای که در این چهار خط آمده‌اند، از نظر نبوتی یکسان‌اند، به‌جز بازه میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد. هر نقطه مرکزی نشان‌دهنده نوعی مرگ است. دو تا از این خطوط به مسیح می‌پردازند؛ یا به‌عنوان تصویر او، یا به‌عنوان کلام خدا. دو خط دیگر نمایانگر ضد مسیح‌اند؛ یا به‌صورت تمایل او به جا زدن خود به‌جای مسیح به‌عنوان «پادشاه شمال»، یا به‌صورت تقلید از نظام حکومتی مسیح.

ما در مقاله بعدی خود خواهیم کوشید میان صد و چهل و چهار هزار تن و نبرد در آسمان نخست پیوند برقرار کنیم. خواننده یا شنونده عزیز: چه از دیدن این حقایق امتناع کنید و چه آن‌ها را ببینید، باید خاطرنشان کرد که اطلاعاتی که در تمام این مقالات ارائه می‌شود، نخست شناسایی می‌گردد و سپس با به‌کارگیری این اصل که آغاز هر چیز برای شناسایی پایان آن به کار می‌رود، مورد تأیید و تثبیت قرار می‌گیرد. این امضای نبوی آلفا و امگا است و بخش بزرگی از مکاشفه عیسی مسیح را تشکیل می‌دهد که اکنون مهرش گشوده می‌شود.

چیزهای نهان از آن خداوند خدای ماست؛ اما آنچه آشکار شده، از آن ما و فرزندان ما تا ابد است تا همه سخنان این شریعت را به‌جا آوریم. تثنیه ۲۹:۲۹